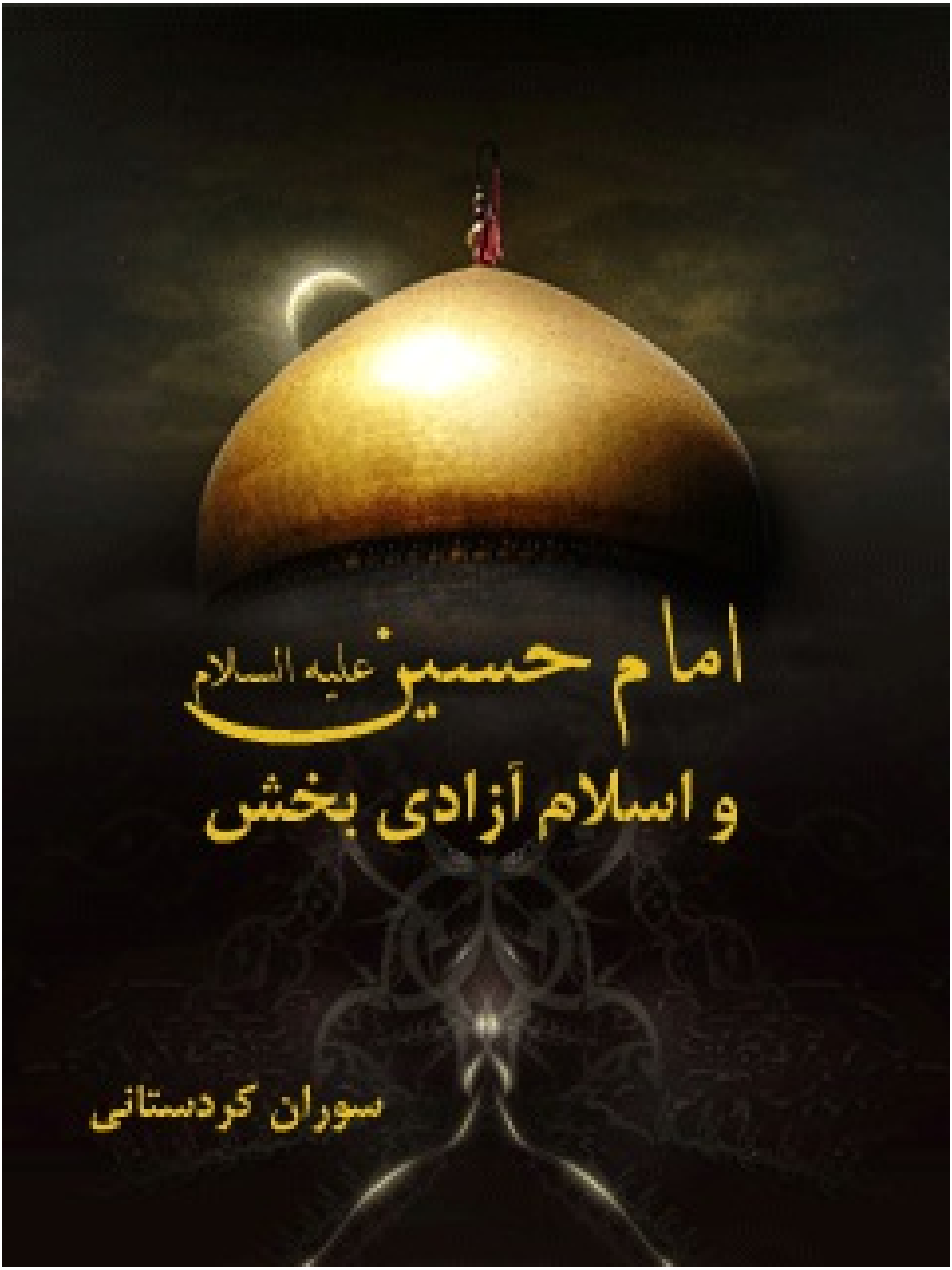

امام حسین علیه السلام
و اسلام آزادی بخش
سوران کردستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام و اسلام آزادی بخش

نویسنده:

سوران کردستانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین(ع) و اسلام آزادی بخش

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: کردستانی، سوران

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین و اسلام آزادی بخش [منبع الکترونیکی] / سوران کردستانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۶ بایگانی: 40.5KB)

موضوع: حسین بن علی(ع)، امام سوم

مقدمه

متعادل ترین صادق ترین و اصولی ترین قرائت از آیین ابدی و جهان شمول را باید در اسلام و سیره پیامبر و منادی این دین جست و جو نمود و چنان که اشاره شد، این یگانه قرائت ِ متعادل و صادق از آموزه های قرآنی را می توان در اصول زیر که اصول مشترک میان فریقین اسلامی است خلاصه نمود:۱ توحید یا ایمان به یگانگی آفریدگار جهان ۲ نبوّت یا ایمان به رسالت حضرت محمّد (ص) و پذیرش دین آسمانی و کامل و جاودانه اسلام ۳ معاد یا ایمان به روز رستاخیز و حشر عظمی و قیام قیامت امّا تفصیل این سه اصل اساسی و کلّی در هیئت شش اصل یا رکن موسوم به «اصول یا ارکان اصلی دین ، مورد پذیرش مسلمانان اهل سنّت و جماعت قرار گرفته است این اصول بنابه فرموده پیامبر (ص) عبارتند از: «اَلایمان ُاَن ْتُؤْمِن َبِاللهِ وَ مَلئِکَتِه ِوَ کُتُبِه ِوَ رُسُلِه ِوَ بِالْیَوْم ِالاَخِرِ وَ بِالْقَدَرِ خَیْرِه ِوَ شَرّه ِمِن َاللهِ تَعالی ارکان ایمان شش اصل است و آن عبارتند از: ایمان به «ذات و صفات خدا» ؛ «ملائکه ؛ «کتاب های آسمانی ؛ «پیامبران الهی ؛ «رستاخیز» و «قضا و قدرالهی اعم ازخیر یا شر» .نیز اصول اساسی و بنیادی دین در قالب پنج اصل زیر، موسوم به «اصول دین مورد پذیرش مسلمانان اهل تشیع قرار گرفته است ۱ توحید؛

۲ نبوت ۳ معاد؛ ۴ عدل ۵ امامت که البته دو اصل «عـدل و «امامت «اصول مـذهب نیز گفته می شود.البته مفهوم اساسـی «عدل که به عنوان یک اصل مستقل در اصول مذهب اهل تشیع وارد شده در نزد اهل سنّت نیز مورد قبول است و «عدالت خداوند» مورد اتّفاق تمامی مسـلمانان جهان می باشـد؛ منتها نکات ظریف و عمقی تری در این بحث وارد شـده که شـرح و بسط آن از حوصـله این مقال خارج است امّا آنچه نگارنده رابه ذکر مقدّمه فوق واداشته این است که اصول اساسی و اصلی و مورد اتّفاق همه مسـلمانان اعم از اهـل سـنّت و اهـل تشـیع همان سه اصل مشترک «توحیـد» و «نبوت و «معاد» است به دیگر سـخن هر گاه مؤمنی این سه اصـل را پـذیرفته باشـد، قطعاً به دین اسـلام در آمـده و وارد در سـاحت مقـدّس اسـلامیت است ودر زمره امّت واحده اسـلامی به شـمار می رود و منکر این حقیقت به یقین به کژراهه گراییده و به خطا رفته است حال وقت آن رسیده است که اعتقادهای حضـرت امام حسین (ع) - نور چشمی پیامبر عزیز اسلام (ص) - را بررسی کنیم و اندیشه و عمل ایشان را با این اصول مشترک و متّفق علیه که ذکر آن گـذشت بسـنجیم تا روشن شود که ایشان چگونه می اندیشـید؟ و آموزه های قرآنی را چگونه دریافته و چرا قیام کرده است و مخالفانش چه کسانی بوده انـد؟ و چرا علیه ایشان به مخاصـمه و مبارزه پرداخته انـد؟ و مهم تر از همه

ما و نسل های آینده چگونه باید درباره اندیشه و عمل ایشان قضاوت کنیم و چرا لازم است که اساساً به این بحث بپردازیم و سرانجام از نظر این حقیر نگارنده این نکته حائز اهمیت است که در این جا روشن شود: چرا نیاکان ما مسلمانان شافعی مذهب امام حسین (ع) را دوست می داشته اند و چگونه است که ما نسل کنونی نیز، ایشان را دوست می داریم و آن بزرگوار را به عنوان یک تن از «پنج تن آل عبا» و عضوی از خاندان اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین که روزانه حداقل هفده بار در نمازهای یومیه خویش بر ایشان درود می فرستیم حقّانیت نهضت وی را تأیید می کنیم امّا برای دست یابی به عمق اندیشه های پاک امام حسین (ع) ، چه راهی بهتر و راست تر و صادق تر از مراجعه به کلام خود ایشان می توان تصور نمود؟ هم از این رو،نخست نامه حاکی از وصیّت ایشان به برادرش «محمّد بن حَنَفیه را» بررسی می کنیم بِسْم ِاللهِ الرَّحْمن ِالرَّحیم ِهذَا ما اَوْصَی بِه ِ اْلحُسَیْن ُبْن ُعَلِی ٍ اَخاه ُمُحَمَّداً اَلْمَعْروف ِبِابْن ِ الْحَنَفیَّه ؛...اِنّی مَا خَرَجْت ُاَشِراً وَ لا بَطِراً وَ لا مُفْسِداً وَ لا ظالِماً. اِنَّما خَرَجْت ُ لِطَلَب ِ الصِّلاح فِی اُمَّه جَدّی اُریدُ اَن ْ آمُرَ بِالْمَعْرُوف ِ وَ اَنْهَی عَن ِ الْمُنْکَرِ وَ اَسیرَ بِسیرَه ِ جَدّی وَ اَبی عَلِی بْن ِ اَبی طالِب ٍ عَلَیْهُم السَّلام ..؛بسم الله الرحمن الرحیم این وصیتی است که حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمّد معروف به «محمّد بن حنفیه می نماید:حسین شهادت می دهد به این که هیچ معبودی جز خداوند یگانه وجود ندارد واوست که یکتا و بی شریک است

و نیز شـهادت می دهد که محمّد (ص) بنده و فرسـتاده اوست و از سوی حق و برحق آمده است هم چنین شهادت می دهد که بهشت و دوزخ حق است و آمـدن روز قیامت قطعی است و تردیـدی در آن نیست و خداوند همه مردگان را زنده خواهد کرد و من حسـین بن علی نه برای برپـا کردن شـر و فساد و اخلال گری برخاسـته ام و نه برای افساد و سـتم کاری جز این نیست که قیام کرده ام برای اصلاح امّت جدّم محمّد (ص) و می خواهم به فریضه امر به معروف و نهی از گناهکاری ها مبادرت ورزم و باروش جـدّ و پـدرم علی بن ابی طالب در میان مردم رفتار کنم پس هر کس مرا بر مبنای حق بپذیرد، خداست که سـزاوار حق است و هر کس این حرکت و قیـام مرا نپـذیرد، من تحمّـل خواهم کرد تـا خداونـد میـان من و این قوم حکم کنـد و او بهترین حاکمان است ای برادر! این است وصـیت من به تو، و برای من توفیقی جز از سوی خداونـد نیست .بررسـی محتوی و مضـمون نامه فوق الذکر، نشان می دهد که حضـرت حسـین بن علی (ع) به حقایقی چند اشاره نموده و هر آینه براساس مقده ای که در آغاز این بخش مـذکور گردید، ایشان به اصول دین اسـلام اقرار فرموده اند؛ و اینک آن موارد:۱ – شهادت به یگانگی خدا؛۲ – شـهادت به نبوت پیامبر اکرم (ص) ؛۳ – شـهادت به معـاد؛تا این جا بر اساس اصول مشترک متّفق ٌعلیه میان فریقین اسـلامی آن بزرگوار به اصول دین اقرار فرموده اند و لذا به عنوان یک مسلمان از حقوق اسلامی برخوردارمی گردند. این حقوق

عبارتست از: حق حیات حق اختیار و انتخاب مصون بودن ازتعرض به جان و مال و ناموس و حریم زندگی حق انتخاب محل زندگی حق ابرازعقیده در محدوده شرع و نیز دیگر حقوقی که آیین حیات بخش اسلام برای انسان ها و به ویژه مؤمنان و خاصّه مسلمانان روا دانسته است نیز امام حسین در بخش دیگری از وصیت نامه خود به فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره فرموده اند که در واقع عصاره اصول دین و نتیجه عملی اعتقاد به «توحید» و «نبوت و «معاد» است و البتّه که همه مسلمانان در این عقیده متّفقند و مبارزه با آثار شرک و بت پرستی و جهل و نادانی را برخویش واجب می دانند. تا این جا، آن امام بزرگوار سخنانی فرموده اند که ابداً منافاتی با مجموعه عقاید اسلامی در نزد عموم مسلمانان ندارد.امّا در بخش دیگر از نامه امام عباراتی بدین مضمون آمده است که «می خواهم باروش جدّم و پدرم در میان مسلمانان رفتار کنم . آری همین نکته مهم است که ایشان رابه روی گرداندن از بیعت با یزید و مخالفت و قیام در برابر او وا داشته است زیرا ایشان شیوه حکومت خلیفه وقت را اصولی و صحیح نمی دانسته و آن را مطابق با سنّت و سیره پیامبر (ص) نیافته است ..نکته دیگر که در سخنان امام حسین (ع) تجلّی یافته است همانا حق طلبی و حق جویی و عدالت گرایی ایشان است به دیگر سخن آن امام مجاهد، ملاک و مدار شیوه زندگی را حق و عدالت می دانند که صد البتّه این

نکته پُر اهمیتی است زیرا اساساً اسلام حق گراترین و باطل گریزترین ادیان الهی است و کامل بودن و ابدی ماندنش نیز از همین ویژگی سرچشمه می گیرد. و گرنه دینی که با در گذشت آوردنده اش به انحراف گراید و کسی را یارای مخالفت و انتقاد از آن نباشد، آن دین به زودی دست خوش ِ تحریف و انحراف خواهد گردید و مغز و لُب اللُّباب آن تهی خواهد شد و تنها پوسته ای از آن برجای خواهد ماند. لذا امام حسین (ع) این حق را داشته است که به عنوان یک مسلمان از تحریف شدن و به انحراف کشیده شدن دینش انتقاد کند. ایشان حدّاقل به عنوان یک مسلمان این حق را داشته است که در راستای اصلاح دینش قیام کند، یا در صورت مساعد نبودن شرایط اصلاح گری در سرزمینی به سرزمین دیگری مهاجرت نماید، تا شاید برای اقدام به اصلاح دین فرصت دیگری پیش آید.امّا امام حسین (ع) در بخشی از وصیت نامه اش به نکته مهم دیگری اشاره نموده اند و آن این است که نکته ای بدین مضمون فرموده اند: «هر گاه کسی این حرکت و قیام مرا نپذیرد، من تحمّل خواهم کرد، تا خداوند میان من و این قوم حکم کند» ... سبحان الله! که این چه نکته ظریفی است و هر کس که این نکته را دریابد، به یقین شیوه درست و رفتار اصولی و اسلامی امام حسین (ع) را در ۱۴۰۰سال و اندی پیش درک خواهد نمود. و این همان رفتاری است که به روزگار ما به «حقوق اجتماعی انسان ها» تعبیر می گردد و بر اساس

آن هر کس حق دارد عقیـده اش را و خـاصّه عقیـده دینی و مـذهبی اش را حفـظ و ابراز کنـد و در مقابل او نیز حق نـدارد که عقیـده اش را بر دیگران تحمیل نماید و در نتیجه جامعه و یا بخشـی از جامعه حق ندارد، برای اثبات حقّانیت رأی و عقیده اش به زور و ارعـاب و خشـونت و بـدرفتاری و سـتم کـاری متوسّـل گردد.لـذا تـوجه به این نکته خـود نکته هـا و دقـایق و ظرایف دیگری را در عقیده امام حسـین (ع) بر ما آشکار می سازد. ایشان می فرمایند که «من تحمّل خواهم کرد» .آیا ایشان چه چیزی را تحمّـل می کننـد؟ البتّه عقیـده مخـالف را؛ عقیـده اکثریت را،حتی اگر رأی این اکثریت ناصواب باشـد، یا همین اکثریت در جهل و نادانی به سر برند. از سویی ایشان در مواجهه با سـتم هرگز تسلیم و رضا را تجویز نمی کنند. آری تحمّل می کنند، امّا این تحمّـل همراه است با امر به معروف و نهی از منکر.از سوی دیگر،مراد امام حسـین (ع) از امر به معروف و نهی از منکر آن نیست که برای اصـلاح یک جامعه آلوده به فساد و کژروی باید به اخلالگری و افساد روی آورد؛ به هیچ وجه البته مراد ایشان آن است که اصـلاح گری در دین شایسـته است که از طریق قیـام به قسـط تحقّق یابـد، آن هم می بایستی در راسـتای برقراری عـدالت باشد؛ نه آن که به نام اصـلاح گری به افساد و اخلال و سـتم کاری مبادرت گردد.به دیگر بیان ظلم با ظلم از بین نمی رود؛ تنها از نوعی به نوعی دیگر تغییر شکل می دهد. یا این که

می توان چنین نتیجه گرفت که ظلم تنها و تنها، با عدالت خواهی و کوشش و قیام و مجاهده در راه بر پاداشتن قسط و عدل برقرار می گردد و لا غیر.

افراط و تفریط از منظر امام حسین

انعکاس ِباطل دانستن و برخطا انگاشتن توسّل به شیوه های مبتنی بر افراط و تفریط از دیدگاه حضرت حسین بن علی (ع) را می توان در خطاب آهن بزرگوار به معاویه بن ابوسفیان ردیابی نمود.مورخان آورده اند: هنگامی که معاویه تصمیم گرفت از مردم ِمدینه به زور و اجبار،برای پسرش یزید بیعت بگیرد، مهاجر و انصار و بزرگان ِمدینه را در جایی گرد آورد، که در این زمان امام حسین (ع) نیز در میان آنان بودند. آن گاه معاویه برای آنها سخنرانی کرد و اوصاف یزید را برشمرد و بسیار از وی تعریف و تمیجد نمود. سپس از حاضران خواست که با پسرش بیعت کنند.در این هنگام حضرت حسین (ع) به پا خاستند و بیاناتی به این مضمون خطاب به معاویه ایراد فرمودند: «ای معاویه بامداد روشن سیاهی ِزغال را روشن کرده و روشنایی آفتاب چراغ های کم فروغ را از رونق انداخته است در سخنانت از حق به افراط و تفریط گراییدی لذا، تو از اعتدال خارج شدی و به انحراف رفتی شیطان نصیب خود را از سخنانت برگرفت آیا می خواهی مردم را درباره فرزندنت یزید بفریبی گویی می خواهی امر پوشیده ای را آشکار و توصیف کنی یا این که می خواهی درباره چیزی که از دیده ها غایب است توضیح دهی یا می خواهی مطلبی را برای عموم روشن سازی که تنها تو از آن خبرداری و کسی درباره

آن موضـوع چیزی نمی دانـد. بس است ای یزیـد! سـخن کوتـاه کن و لب فرو بنـد! یزیـد خود حقیقت خویشـتن را که رأی و عقیـده اش را اثبـات می کنـد، ابراز نموده و منویـاتش را فاش ساخته است تو درباره یزیـد سـخنانی بگو که او بر خود گرفته و پذیرفته است و شخصیت و رفتار و عمل او، آن را نشان می دهد. او را همان گونه که هست معرفی کن زندگی او در سیاحت ِ سگ هایی که بر یک دیگر هجوم می برنـد، خلاصه شـده است او عُمْرِ خویش را با کنیزکان خواننده و نوازنده در لهو و لعب سپری سـاخته است این دعوت را رها کن بس است برای تو و بال ِ سـنگینی که به گردن گرفته ای یقین بـدان که تو خـدا را با آن وِزر و وبـال ملاقات خواهی کرد... سوگنـد به خـدا! که کار تو همواره زدن یا هماهنگ کردن باطل با ظلم و خفه کردن و ستم کـاری بر مردم بـوده است دیگر مشـک هـای خود را پُر کرده ای بس است میـان تو و مرگ چیزی جز چشم به هم زدنی نمانده است .هم چنانکه از متن فوق الذّکر مسـتفاد می گردد، حضـرت حسین بن علی (ع) به بطالت و زیان باری و خطر افراط و تفریـط اشـاره فرموده انـد و به طور ضـمنی معاویه را ازتوسّل به اصل ویرانگرِ زیاده روی و تنـدروی و افراط و تفریط گرایی منع می کننـد و این عمـل ِ خانمـان برانـداز را منـافی عـدل و قسط اسـلامی و مغایر با اصول دین اسـلام می شـمارند و مرتکب اعمال ِ افراطی را مستوجب عقوبت الهی می دانند.

استقامت در برابر ظلم و قیام برای استقرار عدالت از منظر امام حسین

حضرت حسین بن علی (ع) در

نخستین خطبه ای که در مکّه ایراد فرموده انـد، به مطـالب و موضوع های مهمّی اشاره داشـته انـد که در این جا پس از مروری براین خطبه تاریخی و پرمحتوا، به بررسـی اجمالی این موارد می پردازیم «اَلْحَمْدُلِله ِ وَمَاشَاءَاللهُ وَ لا قُوَّه الاّ بالله وَ صَلَّی اللهُ عَلی رَسُولِه ِ، خُطَّ الْمَوْتُ عَلی وُلِدَ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلادَه ِ عَلی جَیْدِ الْفَتَاه ِ وَ مَا اَوْلَهَنِی اِلَی اَسْلافِی اِشْتِیاقَ یَعْقُوب ِ اِلی یُوسُفَ وَ خَیْرٌ لِی مَصْرَعٌ اَنَا لاقیه کَاَنِّی بِاَوْصَالِی تَقْطَعُهَا عَسَلانُ الْفَلَوات ِ بَیْنَ النَّواویس ِ وَکَرْبَلا فَیَمْلأنَّ اَکْراشاً جُوَقاً وَ اَجْرِبَهً سَغْباً، لا مَحیصَ عَن یَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَم ِ یَرْضَی الله عَنّابِرَضانا اَهْلَ الْبَیْت ِ، نَصْبِرُ عَلی بَلائِه ِ وَ یُوَفّینا اُجُورَ الصَّابِرینَ، لَن یَشُدَّ عَنَّا رَسُولُ اللهلُحْمَتَهُ بَل هِیَ مَجْمُوعَه لَهُم حَضیرَه ِ الْقُدْس تَقِرُّ بِهِم عَیْنُهُ وَ تَنَجَّزَ بِهِم وَعْدُهُ، اَلا فَمَن کَان فینَا بَاذِلاً مُهجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلی لِقاءِ اللهِ نَفْسَهُ فَلْیَرْحَل مَعنَا راحِلٌ مُصْبِحَاً اِنْشاءَ الله؛حمـد و سـپاس برای خـداست که آنچه را بخواهـد می شود، و جز او تکیه گـاه و پشتیبانی نیست و درود بر پیامبرش باد. مرگ برای اولاد آدم ماننـد گردن بنـدی است که به دور گردن زن جوانی پیچیـده شـده است اشتیاقم بسـیار است به دیـدن نیاکان و درگذشـتگانم ماننـد اشتیاق یعقوب به دیـدن یوسف ای اطرافیان من بدانیـد که برای من آرامگـاهی آمـاده شـده است و من آن را خواهم دیـد، و می بینم که چگونه خونم در کربلاریخته شـده و شکم حریصان سیر شـده و جیبشان پُر گشـته است البتّه از چنین سـرنوشتی که رضای خدا در آن است خشـنود هستیم و بر هر بلایی که در راه او پیش بیاید صبر می کنیم و در

جوار رحمت او پاداش استقامت خویش را می یابیم ما پاره تن پیامبریم که به زودی در «حظیره القدس به حضورش می شتابیم و باعث روشنی چشم او می شویم در حالی که رسالت مقدّس را به پیش برده و به مسئولیت سترگمان عمل نموده ایم اینک بدانید و آگاه باشید! کسی که می خواهد نَفْس و جانش را آماده دیدار خداوند سازد، با ما حرکت کند. ما بامدادان حرکت خواهیم کرد. انشاءالله» .خطبه یاد شده در بر گیرنده نکته ها و موارد مهّمی است که هر یک از آنها،رهنمای صادقی است به اندیشه و عمل حضرت حسین بن علی (ع) . به باور این حقیر نگارنده اهم این موارد عبارتند از:۱ - خداوند تنها تکیه گاه و پشتیبان مطمئن و راستین و جاودانه مؤمنان است ۲ - مرگ در راه رسیدن به حقیقت عین زنده شدنی دوباره است و چه زنده شدن زیبایی همان گونه که یک گردن بند زیبنده گردن زنی جوان است مرگ نیز زیبنده مؤمنان و جویندگان حقیقت است ۳ - من از مرگ ترسی ندارم زیرا به نزد ارواح نیاکان و درگذشتگانم باز می گردم و این بازگشتن چقدر برایم خوشایند است از برای آن که من به دیدن آنان اشتیاق فراوانی دارم اشتیاقی همچون شور و شوق و آرزومندی ِیعقوب به دیدن فرزند دل بندش یوسف ..؛۴ - من مرگ قریب الوقوع خویش را می بینم و این مرگ به من الهام شده است می بینم که چگونه خونم دشت کربلا را رنگین خواهد نمود، این سرنوشت من است و من به این مقدّر و قَضای الهی ایمان دارم و

در رسیدن به آن سر از پا نمی شناسم و از تحمّل هر گونه رنجی در راه نیل به این سرنوشت محتوم هراسی ندارم و همه شداید ممکن این راه را به جان ِ خود خواهم خرید...؛۵ - در ازای ِ این استقامت در برابر ظلم ِ آشکاری که بر من و اطرافیان و امّت جدّ من می رود، فقط خشنودی خدای یگانه و مهربان را می طلبم و از کسی انتظار حمایت و تحسین ندارم و پاداش معنوی این جهاد حماسی را از آفریدگار خویش مسئلت می نمایم ۶ - ما اهل بیت پاره تن پیامبریم و دیری نخواهد پایید که به ملاقات روحانی ایشان «حضیره القدس نائل خواهیم گردید و البتّه موجب خرسندی و مایه شادی روح ایشان خواهیم شد؛۷ - مجاهده ما در راه قیام علیه ظلم و امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیتی مقدّس و بس سترگ است بر دوش ما؛ که البتّه به آن عمل می کنیم و سرانجام این حرکت زیبا و انسان ساز و معنویت گستر و اصلاح گر دینی همانا به دیدار معبود رفتن است و ما به اذن خداوندِ سبحان فردا صبح ِ علی الطّلوع حرکت خواهیم کرد... کیست آن که با ما همراه گردد و یاریمان دهد؟...حضرت سید الشّهدا حسین بن علی (ع) در جای دیگری از بیاناتشان به مناسبت حادثه جان گداز کربلا، یک بار دیگر، زیر بار ظلم رفتن را دون شأن یک مؤمن مسلمان می داند و مرگ با افتخار را بر زندگی ذلّت بار ترجیح می دهند و خطاب به شمشیرزنان ِ اجیر شده آل ابوسفیان واپسین سخنان آگاهی بخش خویش را، این چنین بیان می فرمایند: «وَیْلَکُم ٠یَا شیعَه ِ

آل ِ ابِی سُـفیان َ اِن ْ لَم ْ یَکُن ْ لَکُم ْ دین ٌ وَلا َ تَخافُون َ اْلمَعادَ، فَکَونُوااَحْرارَاً فِی دُنْیاکُم ْ؛ ای مردمی که خود را به آل ابوسـفیان فروخته اید، ای پیروان آل ابوسـفیان اگر خدا را نمی شناسـید و اگر به قیامت و بازخواست رسـتاخیز ایمان ندارید،لااقل در این دنیا آزاده باشـید!» .در همین زمینه در جای دیگر، حضرت اباعبدالله (ع) می فرماید: «قَدْ رَکَزَ بَیْن َ اثْنَتَیْن ِ بَیْن َ السِّلَه ِ وَ الذِّلَّه ِ، وَ هَیْهَات َ مِنَّا الـذِّلَّه سُـفیانیان و پیروان آنهـا، مرا میان شمشـیر و ذلّت و خواری قرار داده انـد که یکی از آنها، را انتخاب کنم امّا هیهـات . که دور است از مـا قبول ننـگ و فرومـایگی مـا تسلیم پسـتی و دنـائت و سـرافکندگی ِ اطـاعت از ظلم و بی عـدالتی نخواهیم شد...» .

نتیجه

آیین جـاودانه و کامـل و جهـان شـمول اسـلام پـانزده قرن است که از افـق بشـریت طلوع نموده و تـاکنون از منظر قرائت هـا و برداشت هـا و نگرش هـا، این آیین دوره هـای متمایزی را پشت سـر نهاده است که مشـهورترین نگرش ها عبارتنـد از:۱ اسلام محمّـدی یـا اسـلام نـاب و راستین که مطـابق است بـا آموزه های قرآنی و سنّت و سیره پیامبر (ص) و روش ائمّه اطهار (ع) و خاندان پاک اهل بیت (ع) و بزرگان دین (ع) . پیروان این نگرش که تنها نگرش و قرائت راستین و اصـیل از دین اسـلام است عبارتنـد از: اکثریت اهـل سنّت اعم از حنفی و حنبلی و مـالکی و شـافعی و علی الخصوص شـافعی مـذهبان و نیز اکثریت اهل تشیّع و به ویژه شـیعیان دوازده امامی ۲ اسـلام حکومت گرای ِ افراطی ِ اباحی مسلک یا اسـلام با نگرش سُـفیانیان که سلسـله جنبان ِ

این دسته معاویه بن ابی سفیان بوده است بخشی از اهل سنّت و جماعت پیرو این مسلکند و از معاویه دفاع می کنند و به نام و یاد او مسجد می سازند و وی را خدمت گزار اسلام می دانند؛۳ اسلام افراطی ِ وهابی مسلک که به جز هم فکران خودشان اکثریت مسلمان را اعم از اهل سنّت و اهل تشیع به دلیل دوست داشتن پیامبر (ص) و خاندان و ذریه پاک ایشان رضی الله عنهم ، کافر و مشرک می دانند. پیروان این مسلک عبارتند از: بخشی از مسمانان تندرو حنبلی مذهب عربستان و جمعی از هم فکرانشان در دیگر کشورهای اسلامی اینان به غلط و از سَرِ تزویر و عوام فریبی مسلمانان مبارزه و نستوه و اندیشوری همچون «سید جمال الدّین و «شیخ محمّد عَبْدُه و «رشید رضا» و «سید قُطْب را حامی مسلک خویش معرفی می کنند.برخی از دین پژوهان اهل سنّت تاریخ اسلام را به سه دوره هفت ساله تفکیک نموده و هفت قرن اول را «عصر طلایی اسلام و هفت قرن دوم را «عصر رکود اسلام و هفت قرن سوم را «عصر معاصر تاریخ اسلام نامیده اند و جمعی بر همین اساس معتقدند که اسلام ناب و صد در صد مطابق ِ سنّت و سیره پیامبر اسلام (ص) ، همان اسلام ِ هفت قرن اول بوده است و لذا آن را «عصر طلایی تمدّن اسلام خوانده اند.امّا در یکی دو سده اخیر، اندیشورانی در جهان اسلام پا به عرصه وجود نهاده اند که اینان معتقدند: آیین جهان شمول و ابدی اسلام نیاز به

اصلاح گری دارد و لازم است که با حفظ اصول بنیادین این دین فروع و احکام آن از طریق افتتاح باب اجتهاد، با شرایط نیازهای روز مطابقت داده شود و قوانین نوینی بر اساس همان اصول لایتغیرِ بنیادین وضع و اجرا شود، تا این دین حنیف و متکامل همواره بتواند به نیازهای نسل های پی درپی پاسخ گو باشد. هم از این رو، تنی چند از علمای اهل سنّت و اهل تشیع در کشورهای اسلامی این نهضت را آغاز نمودند که تا اکنون نیز هم چنان تداوم یافته است و انشاءالله هم چنان استمرار خواهد یافت امّا هم چنان که یاد شد، مسلمانان اهل سنّت دوره های «پیروی از روش سلف صالح و «بنیادگرایی را پشت سر نهاده اند و اکنون به روزگار ما به دوره نوینی گام نهاده اند که می توان آن را «دوره پسابنیادگرایی نامید. از مشخّصات این دوره تکامل گرا، می توان به مواردی چند اشاره نمود:الف تلاش همگانی مسلمانان اعم از اهل سنّت و اهل تشیع در راستای ایجاد «وحدت اسلامی و نیز «تقریب مذاهب اسلامی در حول محور قرآن و سنّت پیامبر (ص) و سیره و معارف خاندان اهل بیت رضی الله عنهم ؛ب احترام متقابل همه مذاهب و نحله ها و فرق اسلامی به یک دیگر و پرهیز از مبادرت به هر گونه توهین و تکفیر و ایراد اتهام در قبال هم دیگر؛ج اسوه و سرمشق قرار دادن اندیشه و قیام امام حسین (ع) در زندگی اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی جهت اشاعه روحیه ایثارگری و شهادت طلبی و ظلم ستیزی و

امر به معروف و نهی از منکر در میان مسلمانان د) پرهیز از اختلاف های تاریخی فقهی و اجتهادی در میان فریقین اسلامی و اجتناب ِ جدّی از شعله ور ساختن خصومت های وحدت شکن و دشمن شادکن میان مسلمانان اهل سنّت و اهل تشیع ه) پرهیز از جزم اندیشی و روی آوردن به نهضت اصلاح طلبی دینی که از امام حسین (ع) آغاز گردیده و تاکنون تداوم داشته است و) اتکای هر چه بیشتر به عقلانیت و اندیشه های دینی ِ فلاسفه مسلمان در راستای بارور نمودن و شکوفا ساختن اندیشه تکامل گرا در فرهنگ و تمدّن اسلامی ز) ترویج اسلام آگاهی بخش در جوامع اسلامی بر اساس اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط در اندیشه و عمل مسلمانان هم چنان که امام حسین (ع) برای مسلمانان جهان پیامی جاودانه دارد و آن این است که اسلام راستین و آگاهی بخش همواره می بایستی از «انحراف و «تحریف و «ابتذال و «افراط و «تفریط محفوظ و مصون بماند.نگارنده این سطور به عنوان مسلمانی شافعی مذهب آرزو دارد که مسلمانان اهل سنّت همچون اسلاف صالح و پاک نیت و درست کردار خویش از دامن زدن به نفاق و اختلاف تاریخی میان فریقین اسلامی جداً بپرهیزند و جنگ بی سرانجام شیعه و سنّی را پایان ببخشند و بر گردِ قرآن و سنّت پیامبر و معارف معنویت گستر اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین و صحابه بزرگوار ایشان رضی الله عنهم اجمعین حلقه بزنند و از این مراجع ِ قدسی خود و جامعه خویش را سیراب و مستفیض

نمایند و بدانند و یقین داشته باشند که برای مبارزه با شرک و بت پرستی هیچ راهی بهتر و اصیل تر و مؤثّرتر و شرعی تر از راه امام حسین (ع) متصور نیست و نیز شایسته است مسلمانان همواره سنّت اقتدا به سلف صالح را هماره نصب العین خویش قرار دهند؛ راه اسلاف صالحی همانند امام ابوحنیفه و امام احمد حنبل و امام مالک و امام شافعی و دیگر اندیشوران و عالمان والامقام اسلام همان هایی که راه اعتدال پوییدند و از افراط و تفریط پرهیز نمودند و متابعت از سنّت پیامبر (ص) و سیره و معارف اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین ایشان را سرمشق زندگی خویش قرار دادند....

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹